

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فائق رستاقی
۱۴ اگست ۲۰۲۰

آزادی بیان و آزادی بیان استعماری در افغانستان مستعمره!

بخش چهارم

رسانه های خصوصی در نقش پروژه نولیبرال

استعماری در افغانستان مستعمره

سه رکن اساسی قانون اساسی دیکته شده توسط اشغالگران امریکائی – ناتوئی برای رژیم مزدور شان، مسجل ساختن و پذیرش سلطه استعماری امپریالیسم اشغالگر، دموکراسی لیبرال و سیاست اقتصادی لیبرالیسم نو متضمن خصوصی سازی و تحمیل ریاضت اقتصادی بر توده های زحمتکش کشور ما از زمان تصویب در لویه جرگه پوشالی تا حال، بوده است. پذیرش این سه شرط تحمیل شده از جانب اشغالگران، شرط نخست هر گونه فعالیت علنی و قانونی در دولت، جامعه مدنی، احزاب سیاسی ثبت شده و رسانه ها بوده است.

امپریالیست های امریکا – ناتو به دنبال ارسال سلاح و سرباز اشغالگر به کشور ما در نژده سال قبل، رسانه های چاپی، سمعی و بصری را در چهارچوب سیاست نولیبرالی با سرمایه های خصوصی بیرونی، کمک های مالی اشغالگران و به دلالتی چند تن خودفروخته برای سمت و سو دادن و مهندسی افکار جامعه و تبلیغ سیاست های اشغالگران به راه انداختند.

در بخش رسانه های چاپی اولین نشریه انقیاد طلب به نام "۸ صبح" با پول و مدیریت اشغالگران امریکائی به راه انداخته شده و طی این مدت زیر نظارت سفارت امریکا، در نقش بلندگوی آن، نشرات کرده است. اشغالگران امریکائی و دلالان رسانه ئی بومی سپس این نشریه را توسط وبسایت های انقیاد طلب و شدیداً ضد انقلابی معینی در برونمرز همسانی و تبلیغ کرده اند. در این تبنانی دوجانبه، مواضع ضد انقلابی امپریالیسم و حلقات مونارشویست و لیبرال انقیاد طلب با هم تلاقی داشته است.

متعاقب آن، بخش رادیو – تلویزیون و مخابرات در انحصار شرکت های مخابراتی – رسانه ئی با خصلت کمپرادوری و سرمایه های بیرونی مرتبط به اشغالگران در دو محور با پوشش ظاهری و دلالتی افغان ها در رأس آن شرکت ها به راه افتاد. این غول های رسانه ئی از لحاظ اقتصادی، سیاسی و فرهنگی متعلق به امپریالیست های اشغالگر بوده و علاوه از

فعالیت های اقتصادی، در راستای سیاست اشغالگرانه و جا افتادن سلطه اسارتبار امپریالیسم و تبلیغ فرهنگ مبتذل استعماری غربی و بی هویت و از خود بیگانه ساختن جوانان کشور ما، فعالیت رسانه ئی داشته اند.

بزرگ ترین این شرکت های خصوصی رسانه ئی عبارت اند از " گروه موبی " در ظاهر امر به ریاست "سعد محسنی" انگلیس - استرالیائی افغان تبار و دیگری شرکت مخابراتی و رسانه ئی افغان بیسیم، تلویزیون آریانا و ضمایم آن به دلالی دلال بوروکرات مشهور "احسان الله بیات" با سرمایه های امریکائی و انگلیس.

بزرگ ترین شرکت رسانه ئی در افغانستان اشغالی گروه موبی (Moby Group) است. این گروه رسانه ئی شامل شبکه های تلویزیونی طلوع، تلویزیون لمر، طلوع نیوز، تلویزیون فارسی ۱، رادیو آرمان، استودیو موسیقی بارید میوزیک، کابورا پرودکشن، رادیو اراکوزیا، کنا، لنا، شرکت ارتباط ستراتیژیک لپیس و کمپنی رسانه ئی دیجیتال ۱۰۱ اندیا و لیگ برتر فوتبال می شود. سعد محسنی در سال ۲۰۰۴ به کمک مالی دولت امریکا تلویزیون طلوع را بنیانگذاری کرد. تلویزیون فارسی یک به مالکیت گروه موبی سعد محسنی و غول رسانه ئی چند ملیتی "نیوز کارپوریشن" متعلق به "روپرت مُرداک" یهودی استرالیائی در سال ۲۰۰۹ آغاز به فعالیت کرد.

گروه بیات (Bayat Group) شامل شرکت مخابراتی افغان بیسیم، تلویزیون آریانا، آریانا نیوز، شرکت استحصال نفت و گاز به نام بیات انرژی، شرکت برق بیات (تولید برق با سوخت گاز)، شبکه ارائه خدمات اینترنتی و بنیاد بیات می شود. گروه بیات و افغان بیسیم با سرمایه های امریکائی و انگلیس در زمان طالبان (۱۹۹۸) آغاز به فعالیت کرده بود. ویژگی مشترک این دو غول رسانه ئی دلالی (کمپرادوری) بودن هر دوی آن است. این دو غول رسانه ئی با سرمایه های هنگفت متعلق به شرکت ها و سرمایه داران کشور ها و دول متجاوز بر افغانستان، علاوه از بخش خیلی سودآور مخابراتی، با تلویزیون ها و رادیو ها در راستای موافق با سیاست های استعماری و اهداف فرهنگی و سیاست رسانه ئی دول امپریالیست اشغالگر، جا انداختن فرهنگ استعماری و آب کردن کالا های فرهنگی امپریالیسم در کشور ما فعالیت داشته اند. این رسانه ها با خطوط قرمز جلو پای شان و باید ها و نبایدها آویزه گوش شان، علاوه از خدمت در راستای تحقق سیاسیت های استعماری امپریالیست های متجاوز به کشور ما، در عرصه اطلاع رسانی سخت زبان بریده بوده و صرف به درد سرگرم ساختن بیکاران جامعه ما خورده اند و بس.

این غول های رسانه ئی آزادی بیان را وسیله ای ساخته اند برای گرفتن امتیاز و وسیله فشار از دولت و گروگان گیری مهره های درشت خلفکار دولتی و مافیای قدرت. برای این شرکت های رسانه ئی آزادی بیان در راستای روشننگری توده ها و ارتقای خودشناسی و درک مسؤولیت ها و وجایب ملی و اجتماعی آحاد جامعه ما به سوی رهائی ملی و اجتماعی مطرح نبوده و چنین حقی هم از جانب اشغالگران و پوشالیان دولتی به آن ها داده نشده است.

هر یکی از این دو شرکت با صد ها میلیون دالر سرمایه گذاری، درآمد های سرشار داشته و کارگران، خبرنگاران و کارمندان متوسط و پائین رتبه شان را به شدت استثمار می کنند. طبق گزارش نیویورک تایمز، درآمد گروه موبی در سال ۲۰۱۳م حدود ۶۰ میلیون دالر بوده است. این شرکت ها خبرنگاران شان را برای تهیه خبر و گزارش به ناامن ترین جا ها و خطرناک ترین مأموریت ها می فرستند که در بسا از موارد بی برگشت بوده است.

از منظر طبقاتی، صاحبان این غول ها و شرکت های رسانه ئی و مخابراتی و سائر شرکت های دلالی انحصاری در بخش تجارت و ساختمانی، در طبقه بورژوازی کمپرادور جایگاه اجتماعی خود را یافته و علاوه از داد و ستد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و رسانه ئی شان با امپریالیسم و غول های رسانه ئی دنیای امپریالیسم، موضع هر یکی از این افراد در قبال آزادی بیان و آزادی های مدنی، از موقف طبقاتی کمپرادوری شان نشأت می کند که شرح مختصرش در فوق رفت.

علاوه از این دو غول رسانه‌ئی دلالی از لحظ فکری، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مرتبط با امپریالیست های اشغالگر، سرمایه‌ مالی و میدیای انحصاری دنیای امپریالیسم؛ تعدادی از رادیو، تلویزیون، نشرات چاپی و صفحات اینترنتی در فضای مجازی توسط جناح های ارتجاعی قدرت پوشالی، شوونیست های قومی اقوام، جنگسالاران، ارتجاع مذهبی تشیع، تسنن و وهابی با تمویل دول مغرض و مرتجع همجوار و منطقه و با دریافت طعمه از جانب اشغالگران، در راستای تفرقه افکنی قومی - مذهبی و در امتداد اهداف پلید سیاسی و گسترش نفوذ ایدئولوژیک - فرهنگی تمویل کنندگان شان، از سالیان سال بدین سو در کشور اشغال شده ما مصروف نفرت پرانی بوده و بدین وسیله آب به آسیاب امپریالیست های اشغالگر ریخته اند. در حالی که این نوع اخیر رسانه ها از آزادی بیان اهدائی امپریالیست ها برای ادامه نفرت پرانی و تبلیغ و ترویج دیدگاه ها و مواضع افراطی شوونیستی، افراطی گری و جعل تاریخ به سود "خودی" و "به زیان" غیرخودی"، در امتداد منافع بیگانگان مغرض بهره می برند؛ رویکرد اکثر این رسانه ها در قبال آزادی های مدنی، از جمله آزادی بیان و اطلاعات، یا مصرفی است و یا به شدت مذهبی مثل بخش نمایندگان سرسخت و محافظه کار فئودالیسم که شرح فشرده آن در بالا آمد.

خبرنگاران زحمتکشان فکری

خبرنگاران و کارکنان دون پایه رسانه های غیردولتی و بخش محدود دولتی در کشور مستعمره ما، روشنفکرانی از طبقه متوسط خرده بورژوازی اند که در تحت ستمگری امپریالیسم، با توجه به شرایط بد امنیتی، تداوم جنگ ارتجاعی و تحمیلی، انفجار و انتحار، آدم ربائی، قلداری زورمندان دولتی و جنگ سالاران، فقدان حمایت قاطع قانونی از خبرنگاران، فقدان قانون حمایت از کار و کارگر، سانسور، عدم دسترسی نامحدود به بانک های اطلاعاتی، خط قرمز، عدم تشکل یابی صنفی مؤثر، ویژگی نولیبرالی خدمات رسانه های غیردولتی و سائر عوامل...؛ طی این نژده سال اخیر در دشوارترین و خطرناکترین شرایط و در برخی موارد به قیمت جان تعداد زیادی خبرنگار، از رویداد های خونبار کشور اشغالی گزارش و خبر تهیه کرده و با توجه به ابعاد محدودیت کاری شان، تهدیدات امنیتی و خط و نشان کشیدن نیرو های اشغالگر، دولت مزدور و ارتجاعی و گردنگشان رژیم؛ در مورد ابعاد مختلف ستم و جنایت اعمال شده و مصائب مردم ستمدیده افغانستان، به طور نسبی اطلاع رسانی کرده اند. این خبرنگاران در چهارچوب رسانه های عمدتاً وابسته به اشغالگران و محدودیت های تحمیلی و قراردادی و "قانون رسانه های همگانی" دولت مزدور و آزادی کُش، قادر به بیان برخی حقیقت های درشت و اساسی مربوط به سرنوشت ملک و ملت (از جمله اشغالگری، جنگ تجاوزکارانه نژده ساله، کشتار غیرنظامیان، ارتکاب جنایت و نقض سیستماتیک حقوق بشر توسط اشغالگران و ارتجاع بومی، سلب استقلال و حاکمیت ملی، بازی های تبهکارانه امپریالیسم و مزدورانش مثل انتخابات رسوا، فریبکاری صلح و لویه خیانت اخیر) نبوده اند.

علاوه از موارد و مشکلات فوق، این زحمتکشان فکری که نیروی کار شان را در ازای حقوق ناچیزی می فروشند، علاوه از ستمروائی مستقیم اشغالگران امپریالیستی و امر و نهی در کار شان، توسط غول های رسانه ئی و صاحبان رسانه های کوچک تر به شدت استثمار شده و بنا بر عوامل بازدارنده فوق، از آغاز کار تا امروز از حقوق صنفی، مزایای کاری و امنیت شغلی برخوردار نبوده اند.

خبرنگاران نیز مثل سائر زحمتکشان پیدی و فکری، به خودآگاهی، تشکل یابی و پیوستن با کتله های اساسی ستمدیدگان و استثمارشوندگان میهن و همراه با آنان به تبدیل شدن به رود توفنده و موجی که پست و بلند را هموار کند، نیازمندند. خودآگاهی هم شامل شناخت خود و دشمن، مرزبندی میان صف خلق و ضد خلق، درک مرز و محدودیت های تحمیل

شده استعماری - ارتجاعی بر کار اطلاع رسانی و روشنگری و درک وجبیه ملی و اجتماعی خبرنگاران به عنوان نیروی اطلاع رسان و روشنگر، برای بیداری ملی و اجتماعی ستمدیگان میهن است.

تدارک برچیدن دموکراسی و آزادی های اهدائی امپریالیسم در کشور:

امپریالیسم امریکا در تفاهم با شرکای ناتوئی تجاوزش به کشور ما، با مجوز موید تجاوز و اشغالگری نظامی اش (ملل متحد) عوامفریبانه با شعار های اغواگر دموکراسی، حقوق بشر، حقوق زنان، آزادی بیان و غیره برای کاستن از واکنش جهانی در برابر تجاوزش و بابت بسیج یک تعداد از فریفته ها و عناصر دمساز در پایگاه استعماری، وارد کشور ما شده و رژیم دار و تازیانه مزدوران خود ساخته قبلی (طالبان وحشی، جنایتکار و زن ستیز) را برانداخت. برای مؤثریت این شعار های اغواگر، امپریالیسم اشغالگر از ابتداء تا این اواخر به قوانین و نهاد هائی که سلطه استعماری و سیاست و فرهنگش را تا دور دست ترین نقاط افغانستان اشغالی گسترانیده و حضور اشغالگرانه اش را موافق خواست و علایق مردم دربند افغانستان وانمود کند، مثل انتخابات و نهاد های انتخاباتی، قانون اساسی و قوانین و لوایح متمم آن، تفکیک قوای ثلاثه، پارلمان و سنای پوشالی، جامعه مدنی، رسانه های پرزرق و برق عمدتاً خصوصی، احزاب تسلیم طلب رسمی ثبت شده، ان جی او ها، وزارت و سازمان های زنان، کمیسیون نامستقل حقوق بشر و ... ضرورت داشت. کتون که امپریالیسم امریکا با مزدوران وحشی طالبان به توافق و تفاهم رسمی رسیده و روی جزئیات و چند و چون امتیاز دهی به طالبان در خفا دور از انظار مردم افغانستان و جهان و حتی دور از مزدوران دولتی شان کارکرده و به نتیجه رسیده اند، به این شعار ها و ابزار های فریبگر دیگر نیازی ندارد و امپریالیسم امریکا حین هزیمت و تعدیل قسمی ستراتیژی اشغالگرانه اش در کشور ما با برگشت بیروزمندانۀ ملیشه های طالبی و دُره و سنگسار و محاکم صحرائی شان، به دیده اغماض می نگرد.

در اساس و جوهر مسأله، برای امپریالیسم و نظام های ارتجاعی ساخته و پرداخته آن، چه در مرکز و چه در دنیای تحت سلطه پیرامونی، ارزش آزادی و نیاز های آزادی های مدنی، اجتماعی و سیاسی شهروندان همراه با ارزش های حقوق بشری، ارزش های ثابت و حقایق جاودانی نیستند. یده و بستان و گذشت های متقابل استعماری - ارتجاعی همواره و در همه جا بر اقتضای منافع آنی یا آتی صورت می گیرد و نیرو ها و ارزش های چندی قربانی آن می شوند. امپریالیسم امریکا همراه با شرکای ناتوئی و غیرناتوئی اش به موازات ادامه مذاکره با مخلوق طالبانی اش در دوحه، از حدود یک سال قبل بدین سو سیر رویداد ها و انکشافات را در جانب دولت مزدور غنی - عبدالله (انتخابات رسوا و جنجالی سال قبل و اقتضاح تا کنونی آن، عدم اعلام وزرای کابینه پوشالی، آزادی اسرای طالب به رغم مخالفت های ظاهری چند بار غنی و تدویر لویه جرگه اخیر و آزادی تمامی اسرای جنایتکار طالب) در راستای شریک ساختن طالبان در قدرت پوشالی مدیریت کرده است.

دولت مزدور کابل با شنیدن صدای پای طالبان و ضمن اطلاع از تفاهم امریکا و طالب، در نقش خوش آمد گوی و وحوش طالبانی، می کوشد در عرصه های قانون گذاری راه را به آمدن طالبان هموار کند. یکی از اقدامات اخیر دولت مزدور در آستانه آمد آمد طالبان تلاش برای بازبینی و تعدیل " قانون تصویب شده رسانه های همگانی " بوده است. بقرار دولت بر این است که این قانون حاوی چهارچوب تنگ و محدودیت های فعالیت رسانه ئی را تنگ تر و سختگیرانه تر ساخته و قیچی سانسور را در عرصه فعالیت خبرنگاری به کار اندازد تا در آینده ای نچندان دور با آمدن فاتحان طالب به پایتخت و شریک شدن در قدرت، زمینه تعدیل قانون اساسی مستعمراتی موجود و لوایح متمم آن مثل قانون رسانه ها، قانون احزاب و غیره مساعد شده باشد.

با این پیش درآمد، با تحقق طرح امپریالیستی توحید ارتجاع و کنار آمدن ارتجاع جهادی و طالبی در قدرت پوشالی، موازنه در کوتاه مدت به نفع نمایندگان فئودالیسم در برابر بورژوازی کمپرادور در عرصه های قانون گذاری، معارف، تحصیلات عالی، رسانه ها، آزادی های مدنی، آزادی بیان و اطلاعات، امور فرهنگی، قضاء، حقوق بشر، حقوق زنان و سائر موارد، سنگینی کرده و بساط کلیه مزدوران مدنی استعمار همراه با قوانین موضوعه و نهاد های پوشالی آن یکشنبه برچیده خواهد شد.

در این میان در صورت همدستی ارتجاع جهادی و طالبی در قدرت پوشالی آینده و تعدیل قوانین و لوایح به سود این نیروی برگشته از گورستان تاریخ به مدد امپریالیسم، آن بخش های جامعه ما که آماج این سیر قهقرائی واقع خواهند شد، عبارت اند از زحمتکشان در کُل، زنان، نیرو های انقلابی، دموکرات و آزادیخواه، فرهنگیان و ادباء و اهالی رسانه ها در نقش تحلیل گر، اطلاع رسان و روشنگر.

به هر صورت، طوری که در آغاز این نوشته تذکر دادیم، آزادی های مدنی و اجتماعی شهروندان کشور ما در تمام صورتش به شمول آزادی بیان اندیشه و آزادی مبادله اطلاعات، با خواست های عمیق تر و گسترده تر آزادی ملی و اجتماعی، دموکراسی جوشیده از درون بر طبق نیاز اکثریت کتله های اساسی رنج و کار و ارزش آفرین، عدالت و ترقی اجتماعی گره خورده است. در یک جامعه برخوردار از این خواست های اساسی، آزادی های مدنی و آزادی بیان از این ارزش های پایدار و ریشه نی فیض گرفته و متقابلاً جا افتادن و قوام آن بر تعمیق و نهادینه شدن مزید این ارزش های بنیادی و حیاتی مدد می رساند.

با این چشم انداز در افق، رهنوری باورمندان به این ارزش های حیاتی در جاده طولانی، دشوارگذر و ناهموار به سوی تحقق این ارزش ها و ایده آل های بهزیستی انسان مُعَدَّب و دوزخی افغانی، که اینک در خَم اولین منزلش است، بایستی پیموده شود.
پایان.